



درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۲/۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

## فهرست مندرجات

### ۱. علامت حقیقت و مجاز

۱.۱. علامت دوم: صحت حمل و عدم ان

۱.۱.۱. بررسی نظریه دوم و جواب از ان

۱.۱.۲. بررسی نظر سوم: انکار اماریت در صحت حمل

۱.۱.۲.۱. جواب از نظریه مرحوم آغا ضیا

۱.۱.۲.۱.۱. در حمل اولی

۱.۱.۲.۱.۲. اما در حمل شایع

۱.۱.۲.۱.۲.۱. کشف وضع در صورت حمل کلی بر فرد

۱.۱.۲.۱.۲.۲. عدم انحصار کشف موضوع له بنابر ملاک

مرحوم اخوند

**موضوع:** صحت حمل و عدم ان / علامت حقیقت و مجاز / مقدمات علم

اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث مشتمل بر مباحث جلسه قبل است و ما از تکرار ان خود داری

میکنیم.

### ۱. علامت حقیقت و مجاز

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقاہت

ویکی فقه

ویکی پرسش

## ۱.۱ علامت دوم: صحت حمل و عدم ان

بحث در علامت دوم بود در این اماره سه نظریه بیان شد

۱. مرحوم اخوند: این علامت، اماریت دارد فی الجمله

۲. مرحوم خویی و شهید صدر: انکار علامت ان مطلقا

۳. مرحوم آغا ضیا: صحت حمل اماریت ندارد ولی صحت سلب اماریت

دارد.

### ۱.۱.۱ بررسی نظریه دوم و جواب از ان

ادعای منکرین اماریت عبارت بود [۱] از اینکه مقتضای حمل اتحاد بین دو معنا است یا ذاتا و یا وجودا فقط. اما اینکه معنای این لفظ چیست ربطی به حمل ندارد.

در جواب گفته شد که حملی که ما میگوییم این است که لفظ را با همان معنای ارتکازی حمل میشود اگر این حمل درست باشد و ارتکاز ما ان را پسندید میگوییم این لفظ برای ان معنا وضع شده است پس مجرد حمل اماره نیست بلکه با ملاحظه این قید که با معنای ارتکازی در نظر گرفته میشود مورد نظر است. مرحوم خویی و شهید صدر این نکته را دارند ولی مرحوم خویی در نهایت میگوید که در باب حمل اول باید دو معنا تصور شده باشد. حمل با تبادل فرق میکند و این گونه نیست که به صرف لفظ معنا تبادل کند بلکه باید در حمل معنا ها را تصور کرده باشیم پس باید اول مفهوم مشخص باشد و ارتکاز در اینجا اثر ندارد. و در اینجا دیگر معنا برای ما مشخص است و ما معنا را میدانیم و دیگر نیازی به این اماره نیست در بحث صحت سلب نیز همین بیان جاری است و علامت دوم مطلقا اماریت ندارد.

به نظر ما این ادعا درست نیست این کلام در حمل های متعارف همین گونه است و برای تصدیق و انکار و معبر قرار دادن، این کلام جاری است اما این حملی که ما میگوییم از ان حمل هایی نیست که بخواهیم حاکی قرار بدهیم بلکه این حمل های اختباری و امتحانی است نه این که از چیزی بخواهیم خبر بدهیم و حاکی قرار بدهیم بلکه میخواهیم بفهمیم که این حمل درست است یا خیر. در حمل های اختباری نیاز به تصور و مشخص کردن محمول نیست. در بحث ما این حمل سوالی است و میخواهیم بفهمیم که این حمل درست است

یا نیست اگر معنای ارتکازی این حمل را قبول کند طبع ما این معنا را قبول میکند.

خلاصه: مرحوم خوبی به نکته بحث رسیده است که ما لفظ را با معنای ارتکازی حمل میکنیم ولی میفرماید این مطلب متضمن علم به وضع است و دیگر حمل کاز ساز نیست زیرا یا معنا احضار شده است که علم به وضع داریم و یا احضار نکردیم که علم به وضع نمیاورد. ولی ما گفتیم که این حمل اختیاری است و نیازی به متضمن بودن علم به وضع نیست.

## ۱.۱.۲ بررسی نظر سوم: انکار اماریت در صحت حمل

مرحوم اغا میفرماید [۲] سلب اماریت دارد ولی حمل مطلقا اماریت ندارد زیرا مقتضای حمل این است که این موضوع و محمول وجودا با هم اتحاد دارند ولی از لحاظ مفهومی که این مطلب را نمیرساند فلذ میتوان جنس را بر نوع حمل کنیم در حالی که جنس برای نوع وضع نشده است و هکذا در فصل و نوع. پس حمل اتحاد ذات یا وجود است ولی اتحاد در مفهوم را نمیرساند بلکه باید در بعضی موارد مفهوم اختلاف داشته باشند.

### ۱.۱.۲.۱ جواب از نظریه مرحوم اغا ضیا

#### ۱.۱.۲.۱.۱ در حمل اولی

به نظر میاید که ایشان حاشیه مرحوم اخوند را ملاحظه نکرده است زیرا خود مرحوم اخوند قبول دارد در بعضی موارد اماریت ندارد مثلا در جایی که موضوع و محمول کلی متساوی هستند در اینجا صحت حمل موجب کشف وضع نمیشود بلکه مرحوم اخوند نکته ای در کلام دارد که طبق ان تفصیل داده است ایشان میفرماید در حمل اولی کشف وضع برای موضوع و محمول میشود زیرا در حمل اولی در مثل حد و محدود گفته میشود که مثلا انسان با یک معنای اجمالی موضوع قرار میگیرد ایا این معنایی که الان به ذهن من میاید معنای انسان است یا نه؟ مرحوم اخوند میفرماید این دو را حمل کنید اگر طبع شما قبول کرد بدانید که معنای حیوان ناطق همان معنایی است که اجمال ان انسان است و مرحوم اخوند قبول دارد که اختلاف در اجمال و تفصیل دارد و از

حمل اولی به معنا به نحو مفصل نمیرسیم بلکه به نحو مجمل به ان میرسیم. پس با این عملیات پی میبریم که معنای حقیقی موضوع، اجمالش محمول است زیرا اگر غیر از این بود این حمل صحیح نبود نه اینکه تفصیلا معنای ان همین است.

#### ۱.۱.۲.۱.۲ اما در حمل شایع

مرحوم اخوند در این جا در خصوص فرد و کلی میگوید مثلا اگر توانستی بگویند که فلان فرد خنزیر است کشف میشود که معنای حقیقی خنزیر شامل این فرد نیز میشود و توسعه دارد و این فرد را نیز شامل میشود و اگر این گونه نبود ان حمل درست نبود فلذا در انسان ضاحک است چون فردیت در کار نیست دیگر کشف نمیشود که توسعه در معنا وجود دارد و مرحوم اخوند در این موارد نیز ادعای مرحوم اغا ضیا را قبول دارد.

#### ۱.۱.۲.۱.۲.۱ کشف وضع در صورت حمل کلی بر فرد

با این اوصاف ما ادعای مرحوم اخوند را قبول نداریم زیرا اگر حمل صحیح بود ما به موضوع له میرسیم مثلا اگر توانستیم فلان معنا را حمل بر خنزیر شود کشف میکنیم که معنای خنزیر شامل این فرد میشود و کشف میشود که خنزیر وضع شده است برای کلی که از جمله ان همین معنا است اگر انسان برای معنایی وضع نشده بود حمل ان بر زید بما هو فرد برای انسان درست نبود پس از صحت حمل کشف وضع میشود بنا بر این در جایی که از باب کلی و فرد باشد کشف وضع میشود. مرحوم اخوند میگوید وقتی فهمیدی که معنا شامل ان فرد میشود پس کشف میشود که این فردیت دارد ما میگوییم کشف میشود که فلان معنا دارای معنای عامی است که شامل این فرد نیز میشود.

#### ۱.۱.۲.۱.۲.۲ عدم انحصار کشف موضوع له بنابر ملاک مرحوم اخوند

اینکه مرحوم اخوند کشف وضع را منحصر در کلی و فرد کرده است درست نیست زیرا ایشان کشف وضع را فی الجملة میداند و اگر این ملاک شد در موارد دیگر نیز کشف وضع فی الجملة میشود. مثلا وقتی گفته میشود انسان

کاتب است کشف میشود که کاتب یک معنای دارد که میتواند اتحاد وجودی با انسان داشته باشد بر خلاف حجر که اصلا از اطوار وجود انسان نمیتواند باشد بالاخره از هر صحت حملی یک مقداری از موضوع له را میتوان فهمید.

[۱] مصباح الاصول، السيد أبوالقاسم الخوئي، ج ۱، ص ۱۱۱ و ۱۱۶.. فتحصل أنّ مفاد الحمل الشائع هو اتحاد الموضوع و المحمول في الوجود بنحو من أنحاء الاتحاد، و لا يدلّ على كون اللفظ حقيقة أو مجازا بوجه من الوجوه كما ذكرناه في الحمل الأوّلي

[۲] نهاية الافكار، آقا ضياء الدين العراقي، ج ۱، ص ۶۷.. نعم هنا إشكال آخر و حاصله هو منع كون مجرد صحة الحمل من علائم الحقيقة كما في استعمال اللفظ الموضوع للكلّ في الجزء و الملزوم في اللازم فانه نرى صحّة الحمل في تلك الموارد كقولك الإنسان ناطق و الإنسان ضاحك و كاتب و هكذا مع انه لا شبهة في كونه مجازا حيث لا يصح استعمال اللفظ الموضوع لأحد المفهومين في المفهوم الآخر على الحقيقة. بل و من ذلك ظهر الحال في موارد الحال الذاتي كقولك الإنسان حيوان ناطق حيث أنّهما مع كونهما متحدین ذاتا و وجودا خارجا، لا يصح استعمال أحدهما في الآخر نظرا إلى ما بين المفهومين من التغاير و كونه في أحدهما بسيطا و في الآخر مرکبا

